

اللَّهُمَّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

(مرکز تهران)

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان رساله:

تأثیر اندیشه‌های خیامی بر ساقی نامه‌های فارسی

(با تأکید بر ساقی نامه‌های مندرج در تذکره‌ی میخانه و پیمانہ)

استاد راهنما: دکتر سید احمد پارسا

استاد مشاور اول: دکتر علی محمد پشندار

استاد مشاور دوم: دکتر فاطمه کوپا

نگارش: محمدآزاد مظهري

رساله

برای دریافت درجه‌ی دکتری تخصصی

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

بهمن ماه سال 1388

سپاسگزاری



سپاس و حمد خدای یگانه را سزاوار است که بنده را توفیق انجام این پژوهش عطا فرمود.

بدین وسیله از زحمات بی شائبه‌ی استاد راهنمای گران قدر جناب آقای دکتر سید احمد پارسا که همواره، گاه و بی‌گاه، درسفر و حضر، درطیّ مراحل انجام این پژوهش بنده را یاری و از خوان دانش و تجربه‌ی خود بهره مند نموده و از هیچ کوششی مضایقه نکرده اند، هم چنین از مساعدت‌های دلسوزانه‌ی استادان مشاور ارجمند، جناب آقای دکتر علی محمد پشت‌دار و خانم دکتر فاطمه کوپا تقدیر و تشکر به عمل می‌آید و برای همه‌ی آنان تندرستی و طول عمر توأم با عزّت و سعادت از خداوند منّان مسألت می‌نماید.



چکیده رساله

ساقی نامه که از سده‌ی ششم تا پایان قرن سیزدهم هجری، در شکل سنتی خود ادامه یافت، شعری است خطابی، که شاعر با خواستن باده از ساقی و تکلیف نواختن به مغنی، جهان بینی خود را در باره‌ی دنیا، کج مداری چرخ، نگون بختی و مانند آن بیان می‌کند. هدف پژوهش حاضر، بررسی درون مایه‌ی ساقی نامه‌های فارسی از منظر چند و چون انطباق پذیری آن‌ها با مضامین رباعیات خیام نیشابوری (بر اساس نسخه‌ی فروغی) است. به همین جهت 119 ساقی نامه‌ی موجود در تذکره‌های میخانه و پیمانانه به روش نظری و با شیوه‌ی تحلیل محتوا بررسی شده است.

پژوهش حاضر ضمن تبیین ویژگی‌های کلی، ساختار، و پاره‌ای از سنت‌های شعری ساقی نامه‌ها، بیانگر این است که اندیشه‌هایی چون اغتنام فرصت، مرگ اندیشی، بی اعتباری دنیا، حیرت، شکوه از روزگار و موارد دیگری از این دست، از مضمون‌های مشترک رباعیات خیام و ساقی نامه هاست، با این تفاوت که این موارد در رباعیات خیام رنگ فلسفی به خود گرفته و به دلیل محدودیت قالب، به صورت موجز بیان شده اند، اما در ساقی نامه‌ها صبغی عارفانه یا عاشقانه به خود گرفته و به دلیل ویژگی قالب آن‌ها (مثنوی) میدان وسیع تری برای جولان یافته اند. علاوه بر این، پدید آورندگان این نوع ادبی اغلب با انتساب نابسامانی‌های اجتماعی به روزگار سفله نواز، اعتراض خود را در پوشش می و مستی و اصطلاحات مربوط به آن‌ها، فارغ از هر محدودیتی اظهار کرده اند.

واژه‌های کلیدی: اندیشه‌های خیامی، ساقی نامه، تذکره‌ی میخانه و پیمانانه

فهرست مطالب

1	فصل اول (کلیات تحقیق) -----
2	1-1-1- مقدمه -----
6	2-1- اهداف تحقیق -----
	3-1- سؤالات تحقیق -----
7	4-1- اهمیت تحقیق -----
	5-1- محدودیت تحقیق -----
9	6-1- پیشینه ی تحقیق -----
13	7-1- روش تحقیق -----
14	1-7-1- جامعه‌ی آماری -----
16	2-7-1- شیوه‌ی تجزیه و تحلیل -----
17	8-1- اجزای رساله -----
18	فصل دوم (شعر خیام و پیشینه‌ی اندیشه‌های خیامی) -----
19	1-2- خیام و شعر فلسفی -----
21	1-1-2- رباعیات اصیل و سرگردان خیام -----
22	2-1-2- ویژگی شعر خیام -----
23	3-1-2- مضامین رباعیات خیام -----
25	4-1-2- نمونه‌هایی از رباعیات بر اساس مضامین آن‌ها -----
29	2-2- پیشینه‌ی اندیشه‌های خیامی -----
30	1-2-2- فرهنگ یونان -----
31	2-2-2- فرهنگ ایران باستان -----

- 32 ----- 3-2-2 آیین اسلام
- 33 ----- 4-2-2 شاعران پیش از خيام
- 1- رودکی
- 1-1-1 شاد خواری و خوش باشی
- 34 ----- 2-1-1 مرگ اندیشی و بی اعتباری دنیا
- 35 ----- 2-2-1 فردوسی
- 1-2-1 خوش باشی
- 36 ----- 2-2-2 مرگ اندیشی و بی اعتباری جهان
- 37 ----- 3-2-3 سرنوشت
- 38 ----- 3-3-1 ناصر خسرو
- 1-3-1 ناپایداری زندگی و بی اعتباری جهان
- 39 ----- 2-3-2 سرنوشت
- 40 ----- 3-3-3 پرسشگری و حیرت
- 41 ----- فصل سوم (ساقی نامه و ساقی نامه سرایی)
- 42 ----- 1-3-1 ساقی نامه و سیر تحول آن
- 47 ----- 2-3-2 زمینه‌های رواج سرایش ساقی نامه
- 48 ----- 3-3-3 قالب و اوزان ساقی نامه ها
- 49 ----- 4-3-4 ویژگی‌های کلی ساقی نامه ها
- 51 ----- فصل چهارم (بررسی اندیشه‌های خیامی در ساقی نامه ها)
- 53 ----- 1-4-1 نظامی گنجه‌ای
- 1-1-4-1 اغتنام فرصت
- 57 ----- 2-1-4 تذکر سرنوشت مرگ محتوم و بی اعتباری دنیا
- 62 ----- 3-1-4 پرسشگری و حیرت

- 64 ----- 4-1-4- سرنوشت
- 65 ----- 2-4- امیر خسرو دهلوی
اغتنام فرصت
- 67 ----- 3-4- خواجهوی کرمانی
- 68 ----- 1-3-4- اغتنام فرصت
- 69 ----- 2-3-4- ناپایداری عمر
- 70 ----- 3-3-4- بدبینی
- 72 ----- 4-3-4- نکوهش ابنای روزگار
4-4- حافظ
- 73 ----- 1-4-4- خیام و حافظ
- 76 ----- 2-4-4- اغتنام فرصت و خوش باشی
- 78 ----- 3-4-4- نگرش به جهان و زندگی
- 80 ----- 4-4-4- حیرت
5-4-4- نقد اوضاع اجتماعی
- 82 ----- 5-4- جامی
- 83 ----- 1-5-4- اغتنام فرصت و خوش باشی
- 84 ----- 2-5-4- بی اعتباری جهان، حیرت و تذکر مرگ محتوم
- 85 ----- 3-5-4- سرنوشت
- 87 ----- 6-4- شرف جهان قزوینی
- 88 ----- 1-6-4- اغتنام فرصت
2-6-4- یأس و بدبینی
- 90 ----- 3-6-4- حیرت
- 91 ----- 7-4- مایلی نیریزی

- 4-7-1- اغتنام فرصت و ناپایداری عمر
- 92 ----- 4-7-2- رویکرد به خوش باشی در خمريات
- 4-7-3- بی اعتباری دنیا
- 93 ----- 4-7-4- نا امیدی
- 4-8-8- غزالی مشهدی
- 94 ----- 4-8-1- اغتنام فرصت
- 95 ----- 4-8-2- گذر عمر و بی اعتباری دنیا
- 96 ----- 4-9-9- قاسمی گنابادی
- 97 ----- 4-9-1- اغتنام فرصت و خوش باشی
- 100 ----- 4-9-2- بی اعتباری دنیا، ناپایداری عمر و استمرار دورجهان
- 101 ----- 4-10-10- وحشی بافقی
- 4-10-1- خوش باشی و شاد خواری
- 102 ----- 4-10-2- شکواییه
- 103 ----- 4-10-3- حیرت
- 104 ----- 4-10-4- نقد زهد ریایی
- 4-11-11- عرفی شیرازی
- 105 ----- 4-11-1- خوش باشی و شاد خواری
- 4-11-2- نقد زهد ریا
- 106 ----- 4-11-3- شکواییه و بدبینی
- 107 ----- 4-12-12- لسانی شیرازی
- 4-12-1- بی اعتباری دنیا و نگرش بدبینانه به جهان
- 109 ----- 4-12-2- سرنوشت
- 110 ----- 9413- عبدالله هاتفی خرچردی

- 4-13-1- رویکرد به خوش باشی در وصف غنا و شاد خواری
- 4-13-2- بی اعتباری جهان و تذکر مرگ محتوم ----- 111
- 4-14-14- پرتوی شیرازی
- 4-14-1- اغتنام فرصت ----- 112
- 4-14-2- گذر عمر
- 4-14-3- بدبینی ----- 113
- 4-14-4- سرنوشت ----- 114
- 4-14-5- نقد معتقدات عامه ----- 115
- 4-15-15- امیدی رازی ----- 116
- 4-15-1- اغتنام فرصت
- 4-15-2- بدبینی ----- 117
- 4-15-3- شکوه از ابنای روزگار
- 4-16-16- صدقی استرآبادی ----- 118
- 4-16-1- اغتنام فرصت و خوش باشی
- 4-16-2- سرنوشت ----- 119
- 4-16-3- حیرت
- 4-16-4- بی اعتباری دنیا ----- 120
- 4-17-17- میرعسکری کاشی
- 4-17-1- خوش باشی و شادخواری ----- 121
- 4-17-2- باده و خرد ----- 122
- 4-17-3- یأس و بدبینی ----- 123
- 4-17-4- شکوه از زمانه و نکوهش ابنای روزگار ----- 124
- 4-18-18- پیامی کرمانی ----- 125

- 4-18-1- اغتنام فرصت و خوش باشی
- 126 ----- 4-18-2- تذکر مرگ محتوم
- 127 ----- 4-18-3- نقد زهد ریا
- 128 ----- 4-19-19- اقدسی مشهدی
- 129 ----- 4-19-1- خوش باشی
- 130 ----- 4-19-2- نقد زهد ریا
- 4-20- شرف زرد تبریزی
- 4-20-1- گذر و ناپایداری عمر
- 131 ----- 4-20-2- حیرت
- 132 ----- 4-21- غیاثای منصف
- 4-21-1- اغتنام فرصت و خوش باشی و تذکر مرگ محتوم
- 133 ----- 4-21-2- یأس و بدبینی
- 135 ----- 4-22- نوعی خوبشانی
- 136 ----- 4-22-1- شادخواری و خوش باشی
- 137 ----- 4-22-2- شکواییه
- 138 ----- 4-22-3- نکوهش ابنای زمانه
- 139 ----- 4-23- میرزا غازی وقاری
- 4-23-1- شاد خواری و خوش باشی
- 140 ----- 4-23-2- یأس و بدبینی
- 141 ----- 4-24- تقی پیرزاد مشهدی
- 4-24-1- اغتنام فرصت و خوش باشی
- 144 ----- 4-24-2- بدبینی
- 4-24-3- نقد زهد ریا

- 145-4-25- نظیری نیشابوری -----
- 146-4-25-1- خوش باشی و شاد خواری -----
- 147-4-25-2- بی اعتباری دنیا و گذر عمر -----
- 148-4-25-3- شکوه از بخت و روزگار -----
- 149-4-26-2- سنجر کاشانی -----
- 149-4-26-1- اغتنام فرصت و خوش باشی -----
- 150-4-26-2- شکواییه -----
- 152-4-27- شکیبی اصفهانی -----
- 153-4-27-1- شاد خواری و اغتنام فرصت -----
- 154-4-27-2- شکواییه -----
- 155-4-27-3- بی اعتباری دنیا و گذر عمر -----
- 156-4-28- کوثری همدانی -----
- 157-4-28-1- شاد خواری و اغتنام فرصت -----
- 157-4-28-2- شکوه از بخت و غم روزگار و نومیدی -----
- 159-4-28-3- نقد زهد ریا -----
- 160-4-29- ظهوری ترشیزی -----
- 161-4-29-1- شاد خواری و اغتنام فرصت -----
- 164-4-29-2- شکوه از روزگار و بی اعتباری دنیا و تذکر مرگ محتوم -----
- 167-4-29-3- نکوهش مردم روزگار -----
- 168-4-29-4- نقد زهد ریایی -----
- 170-4-30- کامل جهرمی -----
- 171-4-30-1- شاد خواری و اغتنام فرصت -----
- 172-4-30-2- نقد زهد ریا -----

- 174 ----- 4-30-3- بی اعتباری دنیا
- 175 ----- 4-31- حکیم فغفور لاهیجانی
- 1-31-4- اغتنام فرصت و خوش باشی
- 177 ----- 4-31-2- نقد زهد ریا
- 179 ----- 4-32- مرشد بروجردی
- 180 ----- 4-32-1- شاد خواری
- 181 ----- 4-32-2- شکوه از غم روزگار
- 183 ----- 4-33- اوجی کشمیری
- 1-33-4- شاد خواری و خوش باشی
- 184 ----- 4-33-2- یأس و بدبینی
- 185 ----- 4-34- محمد صوفی آملی
- 186 ----- 4-34-1- اغتنام فرصت
- 2-34-4- یأس و بدبینی
- 189 ----- 4-34-3- شکواییه
- 190 ----- 4-34-4- حیرت
- 191 ----- 4-34-5- آزاد اندیشی
- 192 ----- 4-35- طالب آملی
- 193 ----- خوش باشی و شادخواری
- 196 ----- 4-36- رضی آرتیمانی
- 1-36-4- نقد زهد ریا
- 198 ----- 4-36-2- بی اعتباری جهان و شکوه از غم روزگار
- 3-36-4- نکوهش ابنای روزگار
- 199 ----- 4-37- نظام دستغیب

- 4-37-1- اغتنام فرصت و خوش باشی
- 202 ----- 4-37-2- نقد زاهدان ریایی
- 203 ----- 4-37-3- شکواییه و بدبینی
- 204 ----- 4-37-4- نکوهش ابنای زمانه
- 205 ----- 4-38-38- فیاض لاهیجی
- 4-38-1- اغتنام فرصت و خوش باشی
- 207 ----- 4-38-2- حیرت
- 208 ----- 4-38-3- شکواییه
- 209 ----- 4-38-4- نقد زهد ریا
- 4-39-39- طغرای مشهدی
- 210 ----- 4-39-1- شاد خواری و اغتنام فرصت
- 212 ----- 4-39-2- شکواییه
- 213 ----- 4-39-3- نقد زهد ریا
- 214 ----- 4-40-40- فانی کشمیری
- 4-40-1- شادخواری
- 216 ----- 4-40-2- بدبینی
- 217 ----- 4-40-3- نکوهش ابنای روزگار
- 4-41-41- سالک قزوینی
- 4-41-1- شاد خواری و اغتنام فرصت
- 221 ----- 4-41-2- بی اعتباری جهان
- 4-41-3- شکواییه
- 223 ----- 4-41-4- نکوهش ابنای روزگار
- 225 ----- 4-42-42- ادهم آرتیمانی
- 226 ----- 4-42-1- شاد خواری و اغتنام فرصت

- 227 ----- 2-42-4 ناپایداری عمر -
 3-42-4 شکواییه
- 228 ----- 43-4 والی کرمانی
- 229 ----- 1-43-4 اغتنام فرصت و خوش باشی
- 231 ----- 2-43-4 ناپایداری عمر و بی اعتباری دنیا
- 232 ----- 3-43-4 شکواییه
- 234 ----- 44-4 آذر بیگدلی
 1-44-4 شاد خواری
- 235 ----- 2-44-4 شکواییه
- 236 ----- 3-44-4 نقد زهد ریا
- 45-4 اختر گرجی
- 237 ----- 1-45-4 شاد خواری و اغتنام فرصت
- 238 ----- 2-45-4 سرنوشت مرگ محتوم
- 239 ----- 3-45-4 شکواییه
- 240 ----- 4-45-4 حیرت
- 241 ----- فصل پنجم (تحلیل اندیشه‌های خیامی در ساقی نامه‌ها)
- 243 ----- 1-5-1 اغتنام فرصت، گذر عمر و بی اعتباری دنیا
- 249 ----- 2-5-2 یادکرد می و اوصاف آن
- 261 ----- 3-5-3 حیرت
- 264 ----- 4-5-4 شکواییه و نقد مسایل اجتماعی
- 275 ----- فصل ششم (نتیجه گیری)
- 286 ----- کتابنامه
- 294 ----- پیوست (نمودارها)

فصل اوّل

(كَلِمَاتٌ تَحْقِيقٌ)

این بحر وجود آمده بیرون ز نهفت
کس نیست که این گوهر تحقیق بسفت
هر کس سخنی از سر سودا گفتند
زان روی که هست کس نمی داندگفت
(خیام)

1-1- مقدمه

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر اندیشه‌های خیامی بر ساقی‌نامه‌های فارسی است. به همین منظور ساقی‌نامه‌های (119) تن از شاعران در ادوار مختلف از سده‌ی ششم تا سیزدهم مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

نوع شعر خطابی ساقی‌نامه که اغلب در قالب مثنوی سروده شده، ظاهراً شکل تحوّل‌یافته‌ی شعر خمیّه است که نظایر آن را در سروده‌های حکیم عمر خیام نیشابوری (517-433 ه.ق.) و نیز شاعران پیش از او می‌توان یافت. خیام با سرودن اشعاری کوتاه در قالب رباعی و توصیف باده و بیان خواص آن در کلام خود به بیان اندیشه‌هایی فلسفی پرداخته است که نظیر آن در نوع شعر غنایی ساقی‌نامه نیز یافت می‌شود.

ساقی‌نامه و مغنی‌نامه که از سده‌ی ششم با نظامی گنجه‌ای آغاز و تا اوایل دوره‌ی مشروطه ادامه یافت، «شعری است خطابی اغلب در بحر متقارب مثنیّ محذوف یا مقصور که در آن شاعر با خواستن باده از ساقی و تکلیف سرودن و نواختن به مغنی نوع نگرش و جهان‌بینی خود را درباره‌ی دنیا و بی‌اعتباری ظواهر، کج‌روی چرخ، نامرادی، نگون‌بختی و دورویی مردم روزگار اظهار می‌دارد و درعین حال که این مطالب را بیان می‌کند، نکته‌های حکمت‌آمیز و عبرت‌انگیز نیز بر آن می‌افزاید.» (گلچین معانی، 1359: 1)

خواجوی کرمانی، امیر خسرو دهلوی و جامی، به شیوه‌ی نظامی ساقی‌نامه‌ی غیر مستقل ساختند؛ حافظ نخستین ساقی‌نامه‌ی مستقل را سرود که می‌توان گفت اغلب ساقی‌نامه‌های پس از او به نوعی متأثر از لفظ و اندیشه‌ی شعر حافظ در این زمینه است.

در نیمه‌ی اوّل سده‌ی دهم، ساقی‌نامه‌ی حکیم پرتوی (متوفی 929هـ) پس از حافظ دومین منظومه‌ی مستقلّ موفق در این موضوع است و پس از آن منظومه‌های مشهور دیگر در این باب چون ساقی‌نامه‌های میرزا شرف جهان (متوفی 968هـ) و قاسمی گنابادی (متوفی 982هـ) سروده شدند. سرودن چنین اشعاری تا ابتدای نهضت مشروطه تداوم یافت و به دلیل تحولات و نیازهای اجتماعی در سده‌ی سیزدهم هجری در ساختار کلیشه‌ای و کهن خود به کار خود پایان داد، و در شعر معاصر رنگ دیگری به خود گرفت و محمل مناسبی برای بیان مسایل اجتماعی گردید. آن‌جایی که خیّام اندیشه‌های فلسفی خود را در تنگنای قالب رباعی و با محدودیت زبانی و با ایجاز هرچه بیشتر بیان می‌کند، شاعران ساقی‌نامه‌سرا با بهره‌گیری از قالب مثنوی و امکانات فراخ‌تر زبانی، مجال بیشتری می‌یابند که مکنونات خاطر و نگرش‌های فکری خود را به منصفی ظهور برسانند. از این‌رو ساقی‌نامه‌ها، تفصیل اجمال و ایجاز بیانی است که در قالب رباعی نهفته و شاعر را به تنگنا انداخته است.

ساقی‌نامه و معنی‌نامه که عموماً به «ساقی‌نامه» شهرت یافته است، با توجه به ویژگی‌ها و ساختار آن، امکان مناسبی به شاعر می‌دهد، در پرده‌ی می و میخانه و مستی و عالم بی‌خودی و ناهشیاری، نسبت به آن چه در جامعه ناروا می‌پندارد، نارضایتی خود را نشان دهد و به نوعی وضعیت ناخوشایند موجود را به نقد بکشد. از این منظر، بررسی ساقی‌نامه‌های فارسی که طیف وسیعی از شاعران بزرگ و کوچک در سرایش آن طبع‌آزمایی کردند، بسیار حائز اهمیت است.

همان گونه که نظامی بدین شیوه از بیداد شکوه می‌کند:

بیا تا ز بیداد شویم دست که بی‌داد نتوان ز بیداد رست

(فخرالزمانی، 1363: 18)

ساقی‌نامه‌سرایان نیز سرمست از باده‌ی بی‌خودی شعر خود را آینه‌ی تمام‌نمای حالات و عواطف نفسانی و ناروایی‌های موجود در جامعه قرار دادند و چون جرأت انتقاد از مسببان اصلی بیدادها، تزویرها و نابسامانی‌ها نیافتند، با پناه جستن به عالم مستی و خود را به بی‌خبری زدن و التزام خوش باشی، بار تهمت این ناکامی‌ها را به شیوه‌ی نمادین بر دوش روزگار، چرخ، زمانه، فلک و بخت

نهادند، این ویژگی از بارزترین ویژگی‌های ساقی‌نامه‌هاست که نظیر چنین افکاری در رباعیات فلسفی خیام نیز یافت می‌شود.

خیام نیز در قالب می و مستی و تأکید بر اغتنام فرصت و خوش باشی و ارجاع عملکرد به چرخ فلک و نظایر آن به بیان اندیشه‌های فلسفی گونه‌ای پرداخته است که عقاید سطحی عوام، متکلمان و فقها در خصوص بهشت و دوزخ و تغییر ناپذیر دانستن نظامی را که به تعبیر او بر پایه‌ی عدل نهاده نشده است، به چالش برانگیخته است. وی ضمن پذیرش حاکمیت سرنوشت، که به شیوه‌ی نمادین با قول به تأثیر پدیده‌های فلکی در سرنوشت انسان و مرگ و زندگی و نظام هستی مطرح شده است، از این که اوضاع حاکم بر جامعه به گونه‌ای است که آزاداندیشان در تنگنا به سر می‌برند و نمی‌توانند به فراغ بال به اظهار عقاید خود بپردازند، آزرده خاطر است. خیام در پی آن است، طرحی نو دراندازد و بنیاد فلک را به منظور بنای نظامی دیگر که دل پسند او و تمام آزادگان است، درهم ریزد:

گر بر فلکم دست بدی چون یزدان برداشتمی من این فلک را ز میان
وزنو فلکی دگر چنان ساختمی کآزاده به کام دل رسیدی آسان

(خیام، 1369: 149)

از دلایل بازتاب چنین مضامینی در شعرخیام و ساقی‌نامه‌ها تأثیر پذیری شاعران از اوضاع اجتماعی و فرهنگی روزگار آنان است. با رواج عقاید صوفیانه در قرن ششم، عرصه بر فلاسفه و آزاد اندیشان تنگ شد و نسبت بددینی یا بی‌دینی به آن‌ها دادند. به همین جهت است که خیام برای در امان ماندن از این اتهام‌ها و اثبات اعتقاد خود به معاد و زندگی پس از مرگ، سفر حج را در پیش گرفت¹ و پس از بازگشت به جز خواص، کمتر با دیگران معاشرت داشت و به دلیل نداشتن علاقه به تدریس علوم و تألیف کتب مفصل علمی به او نسبت بخل داده شد.² فلسفه ستیزی شاعران این دوره³، نمونه‌ای از جبهه‌گیری عوام، متکلمان، فقها با فیلسوفانی مانند خیام است.

1- ر.ک. هدایت، 1356: 46

2- ر.ک. صفا، 1368، ج 2، 528

3- سنایی در نکوهش فلاسفه چنین گفته است: !

بخشی از نارضایتی ساقی نامه سرایان قرن یازدهم، دوران اوج و عمومیت یافتن ساقی نامه سرایی، که به شکل شکواییه و اظهار یأس و گله از بخت و نامرادی خود را نشان می‌دهد، غیر از تأثیر افکار صوفیانه و دنیاگریزی که آثار آن در ذهن و افکار مردم تثبیت شده بود، ناشی از عملکرد شاهان صفوی و جنگ‌های داخلی و خارجی و نارضایتی عامه و به ویژه شاعران است. با وجود این که بعضی از شاهان صفوی¹ مانند شاه عباس برای جذب شاعران به دربار و تشویق و حمایت آنان برای سرودن اشعار مذهبی و دینی کوششهایی کردند، با این وصف «صفویان هرگز نتوانستند در تربیت و حمایت شاعران و ترویج و شکوفایی شعر و ادب فارسی به پای شاهزادگان تیموری هندوستان برسند.» (نعمانی، 1363: 3)

نامساعد بودن اوضاع ایران دوره‌ی صفوی برای شاعران از سویی، و حمایت همه جانبه‌ی شاهان و شاهزادگان و خوانین گورکانیان هند از اهل شعر و ادب و طبیعت زیبا و فریبده‌ی آن دیار از سویی دیگر، شاعران را بر آن داشت، که رنج غربت را به جان بخرند و دست از زادگاه و خانه و کاشانه‌ی خود بشویند. به رغم این که شاعران به امید زندگی بهتر به سرزمین هند رفتند و به دلیل استقبال بزرگان هند به ساقی نامه سرایی پرداختند، غم و نامرادی و سرخوردگی در ساقی نامه‌های اغلب آنان موج می‌خورد. در این نوع شعر غنایی که استفاده از اصطلاحات میخانه‌ای مانند: ساقی، جام، می، مغنی و به طور کلی لوازم و ادوات بزم و طرب به عنوان شرایط و لزومات سرودن ساقی نامه سرایی باید آنان را به عنوان شاعری شادمان بنمایاند؛ یادکرد ناپایداری عمر و بی اعتبار بودن دنیا و ظواهر و

" تا کی از کاهل نمازی ای حکیم زشت خوی
 صدق بوبکری و حذق حیدری کردن رها
 همچو دونان اعتقاد اهل یونان داشتن
 پس دل اندر زمره‌ی فرعون و هامان داشتن ...
 (سنایی غزنوی، (بی تا): 461-460)

و نیز خاقانی شروانی چنین سروده است:

جدلی فلسفی است خاقانی
 فلسفه در جدل کند پنهان
 تا به فلسفی نگیری احکامش
 و آنکهی فقه برنهد نامش ...
 (خاقانی، 1373: 890-889)

1- ر.ک. ظفری، 1364، ج 1: 133-132)